

دکتر راسل کانول از سال ۱۸۴۳ تا ۱۹۲۵ میلادی در ایالات متحده زندگی می‌کرد. او در مقام دانشجو، استاد دانشگاه، حقوق‌دان، اندیشمند، نویسنده، سخنور، دیپلمات و فرماندهی نظامی خدمات بزرگی را به انجام رسانده و تا به امروز اندیشه‌ها و عقاید او الهام‌بخش میلیون‌ها انسان بوده است.

«زمین‌های الهاس» مهمترین و مشهورترین دستاورد این استاد پر تلاش است؛ کتابی سرشار از انگیزه و گنجینه‌ای که همگی جوانان به آن نیاز دارند.

مقدمه ناشر

در بسیاری از کتاب‌هایی که استادان تعالیم موفقیت و رشد فردی در ایالات متحده نوشته‌اند، به کتاب «زمین‌های الماس» اثر دکتر راسل کانول اشاره کرده‌اند. چنان که شرح آن خواهد رفت، این حکایت کوتاه زندگی میلیون‌ها انسان را، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم، دستخوش تحول کرده است؛ و جالب‌تر این که اصل حکایت زمین‌های الماس برگرفته از یک داستان کهن ایرانی است!

هر بار که هنگام مطالعه‌ی یک کتاب یا خواندن یک مقاله از نویسنده‌ای معروف با این عنوان برخورد می‌کردم، کنجکاوی‌ام تحریک می‌شد تا متن کامل آن را بخوانم، اما متأسفانه این اثر در ایران موجود نبود. تا این که سال‌ها پیش که مشغول ترجمه کتاب

«دوازده ستون»، اثر مشترک جیم ران و کریس وایدنر بودم درخشش زمین‌های الماس بیش از پیش کنجکاوی‌ام را برانگیخت. داستان از این قرار بود که در جایی از کتاب یکی از شخصیت‌های اصلی کتاب به نام چارلی، که در حال آموزش اصول یا به قول خودش «ستون‌های موفقیت» به مردی به نام مایکل است، **بیست کتاب** را به وی معرفی می‌کند که **هر کس** باید در طول زندگی‌اش بخواند؛ از قضا کتاب زمین‌های الماس راسل کانول نیز در فهرست آن کتاب‌ها بود. می‌دانستم وقتی استاد بزرگی چون جیم ران که خود از اسطوره‌های تعالیم موفقیت و رشد فردی است کتابی را بدین ترتیب معرفی می‌کند، به طور حتم آن کتاب را باید خواند! این بود که اصل کتاب را سفارش دادم و پس از مطالعه‌ی آن به شدت تحت تأثیر قرار گرفتم!

گاهی یک پیام یا حتی یک جمله‌ی کوتاه تأثیری عمیق بر فرد بر جای می‌گذارد، و تأثیر این کتاب کوتاه فوق‌العاده بود. آن را دوباره، دوباره و دوباره خواندم.

بعد تصمیم به ترجمه‌ی آن گرفتم. اما در این اثنا تعهداتی در اولویت قرار داشت و مشغله‌هایی پیش آمد که مانع از تحقق این امر شد. فقط فرصت یافتم صفحاتی درباره‌ی زندگی و دستاوردهای راسل کانول را ترجمه کنم که در ابتدای این کتاب گنجانده شده است. برای این که

بیش از این زمان از دست نرود، ترجمه داستان اصلی را به دوست و همکار خوبم آقای امیر نادری باروق محول کردم و صد البته از این اعتماد بسیار خرسندم، چرا که کار به دست فردی لایق و کاردان افتاد. اما امیدوارم خوانندگان گرامی نیز به نوبه‌ی خود از این داستان زیبا الهام بگیرند و از آن در جهت پیشرفت فردی و اجتماعی بهره جویند.

و به طور قطع این گونه خواهد بود...

امیر حسن مکی

پاییز ۱۳۹۲